

سه کاف

FORTE FARSI RA AZ INJA BEGIRID

شماره سی و شش  
۲ آبان ۱۳۸۲ / 24-October-2003



[جوانان تو باغ هستن یا نه؟](#)  
[سکس سه نفره](#)  
[اخلاق و علم روانشناسی](#)  
[سکس،](#)  
[با دو جنسگرایی آشنا شویم](#)  
[و سایتهای سکسی ایرانی](#)  
[نگاهی به وبلاگها](#)  
[اروتیکی - علی و گیلایس زرد](#)  
[اشعار](#)  
[با مسئولیتی بزرگتر - پویا](#)  
[جایزه نوبل، غروری بزرگ](#)  
[نامه‌ای از شهر قم](#)  
[هل داد رو بستوناش - حسن](#)  
[موهامو گرفت و سرمو](#)  
[حتماً بخوانند - سیامک ر.](#)  
[خونریزی - خانمها](#)  
[جنسی - نامه‌های خوانندگان](#)  
[مباحث آزادی](#)  
[رابطه یا دوست پسر - مریم](#)  
[موانع ذهنی ام را کنار زدم](#)  
[شبی که](#)  
[زفاف \(قسمت اول\) - کارون](#)  
[شب](#)

[شیخ](#)

[مشکل ما در ایران - سپهر](#)

[دیگران چه میگویند؟](#)

[جای خوب واسه.... - محسن](#)

[به](#)

[جنسی در مردان آشنا شویم](#)

[با ناتوانی](#)

[من و کاهه](#)

[و جواب مسائل جنسی](#)

[سئوال](#)

## جوانان تو باغ هستن یا نه

جوانان در کشور ما دارای اکثریت هستند، دمکراسی یعنی رای اکثریت مردم. اگر کسی ادعای دمکراسی و حقوق مردم می کند، باید قبل از هر چیز به خواسته های نسل جوان جامعه، یعنی اکثریت مردم - جوانان - توجه کند.

آخوندهای حاکم اما ساز دیگری میزنند یعنی نه تنها به خواسته های جوانان گوش نمی دهند بلکه برعکس با راه انداختن گروه های سرکوب و اجرای طرح های یورش، سالهاست که با خواسته ها و منافع جوانان می جنگند. بی جهت نیست که قشر وسیع جوان هم خود را نسل سوخته معرفی میکند. *خواسته های عمده جوانان را تقریباً همه میدانند:*

جوانان باید در انتخاب هر لباس و پوششی که میخواهند آزاد باشند، آزادانه بتوانند دوست پسر / دختر برای خود انتخاب کنند، آزادانه بتوانند دست دوست خود را گرفته در خیابان و یا پارکها قدم بزنند، با هم به مسافرت بروند و...

پاسخ جمهوری اسلامی به این خواسته: بسیج، گروه های امر به معروف، پلیس ۱۱۰، طرح های یورش، دستگیری جوانان، شلاق، زندان، تحقیر و شسکستن حرمت و شخصیت جوانان.

جوانان ایران به کار و داشتن درآمد و استقلال نیاز دارند، در جمهوری اسلامی حتی فارغ التحصیلان دانشگاهها هم امید کاربایی ندارند چه برسد به بقیه.

جوانان به تفریحات و سرگرمی، به امکان مسافرت و دیدن کشورهای دیگر نیاز دارند اما در جمهوری پدیده هایی همچون دختران فراری، معتادان، قاتلان، بیماران روانی و... که اکثر آ از قشر جوانان اسلامی

هستند، بیداد میکند. جوانان به مراکز بهداشت و آموزش از جمله آموزش و بهداشت جنسی و کتابها و سئوالات و درگیری ذهنی اشان را پاسخ دهند نیاز دارند. پاسخ جمهوری اسلامی ارائه کتابهای مجلاتی که

دینی خشک و در کنار آن سانسور و فیلتر کردن اینترنت، بستن کافی نتها و...

جوانان دمکراسی میخواهند، یعنی اگر به کسی که طرفدار خواسته آنهاست، تو انتخابات رای دادند طرف بتواند قوانین را اصلاح کند. اخوندهای جمهوری اسلامی مردم و حتی نمایندگان آنها را صغیر میدانند و بالای سرشان شورای نگهبان، ولی فقیه و دیگر ارگانهای آخوندی که هیچکدام انتخابی نیستند، قرار میدهند و رای جوانان و مردم را هیچ حساب میکنند.

جوانان به غرور ملی و مملکت خود افتخار میکنند، اما جمهوری اسلامی کشور آنها را به لبه پرتگاه رسانده و با سیاستهای غلط خود، کشور را در معرض حمله این یا آن کشور قرار داده. این لیست را همینطور میتوان ادامه داد.

پس چه باید کرد؟

حتماً این را شنیده‌اید که یک عده با تلاش و کوشش خود تاریخ را می‌سازند، یک عده ایستاده و نگاه میکنند و یک عده هم اصلاً تو باغ نیستند.

تنها راه تحقق خواسته‌های جوانان این است که این قشر وسیع ابتدا باید منافع و خواسته‌های خود را خوب بشناسد، مخالفان این خواسته‌ها را هم بشناسد - که البته همه میدانند، اما مهمتر از آن اینکه جوانان باید اراده کرده و عزم جزم کنند که خواسته‌های خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند.

چگونه؟

از این طریق که در مبارزات و اعتراضات معلمان، استادان، کارگران، زنان، دانشجویان و دیگر اقشار مردم بیشتر و فعالتر شرکت کنند. دانش‌آموزان هم مثل دانشجویان، خود را متشکل کنند، دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند، خواسته‌های خود را رساتر اعلام کنند و فراموش نکنند که همراه با شرکت خود در اعتراضات دیگر اقشار، خواسته و منافع خود را هم به نیروهای معترض دولت معرفی کنند و از آنها بخواهند که از خواسته‌های جوانان حمایت کنند.

شرکت جوانان در اعتراضات و همیاری با دیگران هم به تقویت نیروی مردم و در نتیجه عقب نشینی رژیم منجر میشود بلکه مهمتر از آن باعث کسب تجربه و پختگی در چگونگی مبارزه برای حقوق خود هم میشود.

البته نباید کورکورانه از دیگران حمایت نمائیم؛ باید آگاهانه حرکت کنیم و با کسانی همگام شویم که نه تنها خواسته‌ها و نیازهای جوانان را در برنامه خود مطرح میکنند بلکه در مطالبه آنها از مسئولین هم پافشاری می‌نمایند.

تا زمانی که جوانان نارضایتی خود را بصورت منفعل ادامه دهند، یا هر قشری از مردم جامعه جداگانه برای خواسته‌های خود مبارزه کند، گره بسته مشکل کشور ما حل نخواهد شد.

کسی بی تفاوت بنشیند هیچکس برایش کاری نمی‌کند و مسئول اصلی بدبختی‌اش هم خودش است. اگر

سعی کنیم تاریخ خود را بنویسیم نه اینکه نظاره‌گر کار دیگران باشیم یا بدتر از آن اصلاً تو باغ نباشیم. نه تنها حضور خود را در باغ اعلام کنیم بلکه در نوشتن تاریخ خود و مملکت خویش نیز شریک شویم.

بیائیم

## سکس سه نفره

سال پیش یکبار تو خونه تنها بودم، به دوست پسرم زنگ زدم که بیاد پیشم. اونم از خدا خواسته گفت باشه ولی پسر خاله‌ام باهام هست و نمیتونم تنهاش بذارم، اون هم میتونه بیاد؟ گفتم باشه، اشکالی نداره. پونزده دقیقه بعد زنگ در رو زدن، وقتی در رو باز کردم و پسر خاله دوستم را دیدم داشتم غش میکردم، از بس که این پسر زیبا بود که نمی‌شد بهش نداد. همون دم در سینه‌هام سفت شده بودن و داشتم از شهوت می‌مردم. خلاصه من و دوست پسرم رفتیم تو اتاق و شروع کردیم به لب گرفتن و از این حرفا، رچی فکر کردم نتونستم جلو خودمو بگیرم و نگم؛ به دوستم گفتم پسر خاله‌ات اهل سکس هست یا نه؟ گفت چور مگه؟ گفتم هوس کردم که به دو نفر همزمان بدم. اونم رفت و به پسر خاله‌اش گفت بیاد. من هم تا اونو دیدم از بس که حشری بودم، رفتم طرفش و بدون مقدمه شروع کردم به لب گرفتن، ولی آنقدر آتشم تند بود که نتونستم صبر کنم، جلوش زانو زدم، زیپ شلوارشو باز کردم و با حرص کیرشو از تو شرتش کشیدم بیرون و کردم تو دهنم؛ فکر کردم دارم خفه می‌شم، شروع کردم به عقب جلو بردم سرم و هی برایش ساک می‌زدم و هر بار که سرمو ججو می‌بردم کیرش تا ته حلقم میرفت که حس استفراغ بهم دست میداد ولی آنقدر خوشم آمده بود که به هیچی جز کیر خوردن فکر نمی‌کردم، اصلاً تو اون لحظه تشنه کیر بودم. دوست پسرم که این دید، اومد جلو و بغل پسر خاله‌اش ایستاد و کیرشو بسمت صورتم گرفت، یعنی اون هم بخورم. همین که دوتا کیر راست و سفت شده جلو دهنم بودن، خودش خیلی حال می‌داد.

مال

با هر دستم ته یک کیر را گرفتم و یه چند این یکی کیر رو و چند لحظه بعد اون یکی کیر رو میکردم تو دهنم. بعدش خوابیدم رو تخت؛ دوست پسرم کیرشو کرد تو کس‌ام و شروع کرد به تلمبه زدن، من هم کیر پسر خاله‌اشو ساک می‌زدم و اون هم با سینه‌هام ور میرفت. بعد از یه مدت گفتم هردوتاتون با هم منو بکنید. دوست پسرم کیرشو کشید بیرون و خوابید زیرم و من رو کیرش نشستم و یواش با کمر رو سینه‌اش خوابیدم و پس خاله‌اش هم اومد جلو و کیرشو کرد تو کس‌ام. در اون لحظه آنقدر حال میکردم که نزدیک بود غش کنم. بعدش هردوتاشون با هم شروع کردن به تلمبه زدن، نگو که چه حالی میداد، وقتی نزدیک بود آبشون بیاد، کیرشونو درآوردن و کنارم زانو زده، شروع به جلق زدن کردن و با هم آبشونو ریختن رو سر و صورت و سینه‌هام، دیگه این لذت نبود که می‌بردم یه حسی خیلی بالاتر از لذت بود.



## سکس - اخلاق و علم روانشناسی

گاهی سئوالاتی از دوستان بدستمان میرسند که احتیاج به توضیح بیشتری دارند. یکی از خوانندگان در نامه‌ای به سکاف مینویسد که از نظر موقعیت اجتماعی وضع بسیار مطلوبی دارد، حقوق خوبی می‌گیرد و خود را یک مبارز برای آزادیهای فردی و اجتماعی حساب میکند، در بین دوستان و نزدیکان احترام زیادی دارد اما از موضوعی رنج می‌برد که نه میتواند آن را برای کسی کند و نه خود میتواند از آن خلاص شود، اما قبول کردن آن هم برایش بسیار سخت است و آن یک

بازگو

نیاز درونی به تحقیر شدن فیزیکی و روانی، کتک خوردن و هیچ انگاشته شدن در رابطه جنسی است. در حالی که در شرایط عادی درست عکس قضیه می‌باشد.

این دوست عزیز در هر اجتماعی وجود دارند و زندگی میکنند، توی هر قشر و طبقه اجتماعی یافت نمونه

هم زن و مرد و ممکن است به جنس مخالف و یا جنس موافق خود و یا هر دو جنس گرایش داشته میشوند،

باشند. اصلاً گرایش جنسی و غریزه و تمایلات فرد ربطی به موقعیت، شغل، تحصیل، طبقه اجتماعی و اینها ندارد. مشکلی که ما داریم این است که چون مبحث جنسیت آنطور که باید و شاید در اجتماع امثال

نشده و هزاران مانع سر راه آن است، به این دلیل افرادی که گرایش جنسی و چارچوب نیازهای درونی ما باز

آنها بشکلی خارج از چارچوب و هنجارهای جاری و پذیرفته شده عمومی باشند، خود بخود نه تنها گرایش

نیازهای شخصی و کنار آمدن با آنها مشکل دارند بلکه اصلاً نمیدانند که چرا خودشان با دیگران با پذیرش

سختیها، رنجها و مشکلاتی که از این ناحیه بر افراد وارد میشود آنچنان شدید است که گاهی حتی فرق دارند.

به خودکشی هم منجر میشود.

اخلاق اجتماعی مجموعه‌ای از رفتارها و باورهای اجتماعی ناظر بر آن است، این باورها و شیوه رفتار از شیوه زندگی و اخلاق و دانش و آگاهی گذشتگان است. دانش و آگاهی هر نسل بهتر و بیشتر

چکیده‌ای

و گسترش علم و دانش هم به آن کمک میکند، اخلاق و باورهای اجتماعی برای کمک و بهزیستی میشود

انسانها هستند و بخودی خود مقدس و تغییرناپذیر نیستند، به این جهت با گذشت هر نسل بخشی از باورهای کهنه اعتبار خود را از دست میدهند و چیزهای جدیدی جایگزین آنها میشود که با دور و زمانه

همخوانی داشته باشد. سرعت و شدت جایگزینی باورها و افکار کهنه با ارزشهای تازه، به دانش، آگاهی جدید هر نسل برای ایجاد یک زندگی بهتر ربط دارد، به این جهت اگر نسل ما هنجارشکنی و گسترش

و

مرزهای محدود فرهنگ جنسی شجاعت و تهور و آگاهی است. و اجتماع ما امروز بیش از هر زمانی نیازمند اینگونه هنجارشکنان است.

مشکل دیگر فرهنگ سیاسیون ماست، کسانی که سیاسی هستند و یا به سیاسی و هنر و... طوری رفتار میکنند که انگار نه انگار.....

هر فردی در هر موقعیت و قشر اجتماعی ممکن است به سادیسیم و یا مازوخیسیم گرایش داشته باشد. گرایش و نیاز جنسی یک چیز است و رفتار عام و موقعیت در اجتماع و بین نزدیکان یک چیز دیگر.

یکی از آهنگهای مادونا، خواننده آمریکایی، درباره زنی است که دوست دارد در حالی که دستهایش از پشت بسته شده، روی باسن خود ضربه‌های محکم بخورد.

عده‌ای معتقدند که چون دین و مذاهب از یکطرف همه طرفدار تنبیه کودکان هستند و از طرف دیگر قوانین خیلی سختی درباره آداب و رسوم سکس دارند، پس نیاز به تنبیه در سن بالا انعکاسی از تمایل ناخودآگاه فرد به اظهار نیازهای جنسی خود است. البته در صحت و سقم چنین نتیجه‌گیری نمیتوان

مطمئن بود. عده‌ای هم بر این باورند که کلاً وجود رابطه برده و استاد (Master / Slave)

صددرد

اساس و پایه شکل‌گیری شور و هوس جنسی بین دو فرد است.

سادومازوخیسم هم نزد کسانی که در کودکی از والدین خود کتک خورده‌اند، دیده میشود و هم نزد کسانی که کسی هیچ دستی روی آنها بلند نکرده. بعضی‌ها هم اینگونه گرایش‌ها را انعکاسی از روابط فرهنگی حاکم بر اجتماع قلمداد کرده و آن را ناشی از فرهنگی که ارزش زن را کمتر از ارزش مرد می‌داند. اما این تحلیل هیچوقت جدی گرفته نمیشود به این دلیل که اولاً همه زنان و مردان چنین است،

ندارند، و دوماً این گرایش تنها به زنان تعلق ندارد و مردان زیادی هم هستند که تمایل به این دارند تمایلی

که برده زن شوند و سوماً چنین روابطی بین همجنسگرایان (حتی زنان لزبین) هم دیده میشود و مهمتر از همه اکثر کسانی که دارای چنین روابطی هستند، در زندگی عمومی به هیچوجه اثری از گرایش خود را بروز نمیدهند (نه به این دلیل که میترسند بلکه کلاً اینطوری هستند).

بر این باورند که تمایلات ناهنجار جنسی اغلب ریشه در تضادهای حل نشده دوران کودکی

روانپزشکان

فرد دارند؛ او در زمینه رشد تمام عیار در تمام جهات، از نظر روانی-جنسی در همان مرحله و پایه تضاد نشده در دوره‌ای از رشد خود باقی مانده و بصورت یک گره برایش درآمده است. گره یا تضادی که به

حل

شکل مطلوب حل نشده و به این جهت در رابطه جنسی خود، تمایل به این دارد که به همان مرحله

یک

ناشده در دوران رشد کودکی خود بازگردد. بر اساس نظرات روانشناسان، مازوخیسم (لذت از درد

حل

در سکس) بازتابی از بازگشت فرد به همان مرحله‌ای است که گره / تضاد حل نشده، در آن اتفاق

و تحقیر

افتاده میباشد، کاری که بشکل پیچیده‌ای به تعادل روانی او کمک میکند.

مثال دیگر میتوان کودکی را تصور کرد که وقتی در آغوش مادر قرار گرفته و از پستانش شیر مینوشد،

یک

از مادرش کتک هم میخورد. اینجا در روان کودک رابطه‌ای بین لذت، خوشی و آرامش که همان آغوش

و شیر مادر است با کتک خوردن ایجاد میشود. همیم مسئله ممکن است در آینده این کودک اینطور

منعکس شود: لذت جنسی مترادف ضرب و کتک.

و نکته دیگر اینکه ممکن است برداشت روانی و فیزیکی از درد و کتک در حین حشری بودن همانی

نباشد که در حالت عادی احساس میشود.

مسئله خیلی مهمی که در اینگونه بحثها و بحثهای مشابه بایستی در نظر گرفته شود این نیست

که مثلاً روانشناسان در اینباره چه میگویند، چه روانشناسان سعی در یافتن ریشه‌ها و علل شکلگیری

انواع رفتارها، حالات و گرایش‌های مختلف در انسانها را دارند بلکه نکته مهمی که باید بدان توجه کرد

از زاویه آزادی و حریم خصوصی فرد است. مثلاً یک سادیست یا مازوخیست چه ضرری به من نوعی

میزند؟ هیچی. اگر خودش عاقل است و بالغ و کسی مثل خودش پیدا کند که با توفیق طرفین و از روی

رضا و رغبت همدیگر را ارضا کنند، چه ضرری به من میرسد؟ اگر این افراد کلوب و گروه خودشان را

داشته باشند به کجای دیگران صدمه میزند؟ عکس قضیه را هم باید دید: اگر من / ما مخالف آنها

آنها را محکوم کنیم و اجازه چنین کاری به آنها ندهیم، آیا به حریم خصوصی آنها تجاوز نکرده‌ایم؟

باشیم،  
آزادی آنها را محدود نکرده‌ایم؟ متأسفانه ما ایرانیان عادت داریم که خیلی سریع نتیجه‌گیری میکنیم،  
آیا  
زود قضاوت می‌کنیم و هیچ یا خیلی کم به نتیجه قضاوت و افکار خود فکر میکنیم که ممکن است  
خیلی  
چه عواقبی در زندگی دیگران داشته باشد.  
کسی که به بهانه اخلاق عمومی یا فرهنگ و هنجارهای حاکم، به خودش اجازه محدود کردن آزادی  
را میدهد و خودخواهانه به حریم فردی دیگران قدم می‌نهد نه تنها از اخلاق چیززی نمی‌داند بلکه  
دیگری  
کلاً یک عمل غیر اخلاقی انجام داده است.  
این دلیل سکوت فرد یا عقب‌نشینی او در برابر حاملان چنین اخلاق دروغینی، بدترین کاری است که  
به  
ممکن است انجام دهد. به این خاطر ما همه باید یاد بگیریم که حریم فردی خود را خوب بشناسیم و  
کسی  
دخالت دیگران در آن جلوگیری کنیم و گرنه خود شریک جرم هستیم. از ما قهر میکند؟ بکند. دوستی  
از  
را قطع میکند؟ چه بهتر. چرا این دوستی باید به قیمت محدودیت ما باشد؟ چرا ما باید از حق و حریم  
خود  
چشم‌پوشی کنیم و ناحقی و تجاوز دیگری به حریم خود را تحمل کنیم؟ همان بهتر که چنین دوستی  
خود  
و رفاقتی هرگز مباد!

=====

### نامه‌ای از شهر قم

سایت شما رو کامل داوونلود کرده بودم و داشتم تو این نصف شبی می‌خوندم ، گفتم برم از این  
فیلتر لعنتی رد بشم، بعد گفتم برم ایمیل رو چک کنم، اونوقت بود که نامه نازتون رو دیدم، وای  
که چه حالی شدم.... دمتون گرم چه زود جواب میدین، حال کردم.  
سکاف جون که اسمتون نمیدونم چیه و نمیدونم کجا هستین الان، ولی ما بدبختها گیر چهارتا  
آخوند جماعت افتادیم که نمیدونیم از دستشون چی بگیریم. باور کنین میرم تو حموم جلق بزئم،  
پشمن سیخ میشه که نکنه یه آخوند اینجا ما رو ببینه و چهار پنج ساعت با سخنانیش سرمو بخوره.  
من بیست سالمه ولی باور میکنید که کس را فقط تو عکس و فیلم دیدم؟ باورتون میشه که کس  
اینجا قحطی است؟ (شاید چون آب و هوای اینجا کویری است؟)  
تو قم که یه دونه دختر مانتوئی اگه بیاد آخوندا چجوری اونو نصحیت میکنن (امر به معروف  
و نهی از منکرش میکنن!) که بماند، باید تو لحظه اون بدبخت بینوا رو ببینی که چجوری سرخ  
شده.  
تو قم شهرداری، نیروی انتظامی، بسیج و امثالهم با هم دست به یکی شدن تا تسلط خودشون  
بر این ملت رو هرچه محکمتر کنن. هرچی فیلم سوپر بود، جمع کردن، هر مغازه کامپیوتری بود  
که به میل اونها کار نمیکرد رو بستن و صاحبشو گرفتن. از اونور هم این آخوندا میگن که باید  
همینجوری ادامه بدن.

تو اتوبوس که مرد و زن جدا هستن، تو تاکسی به کم که پات بخوره به پای دختره دیگه وای بحالت. باید زیره داشته باشی که دختره دهن تو سرویس نکنه. جالبه بدونین که تو قم به پارک بیشتر نیست. اول دوتا بود که اون بزرگتره رو خرابش کردن، این یکی هم که مونده دارن یواش یواش جمعش میکنن. راستش به این هم پارک نمیشه گفت؛ به فضای سبز که چهارتا وسیله مثل الاکلنگ و سرسره، به چرخ فلک و چهارتا وسیله برقی دیگه گذاشتن توش، نمیدونم شما به این هم میگید پارک؟ راستی آخرش هم ما نفهمیدیم اسم این باصطلاح پارک چی هست. بعضی ها میگن پارک دورشهر، بعضی میگن پارک صفائیه، مذهبی ها میگن پارک شهید که بیشترش هم به این نام میخوره تا اسمهای دیگه. ما هم میگیم پارک بینوایان!!!!

تو این پارک که بخواهی وارد بشی، دوتا قسمت ورودی داره، یکی واسه آقایون و یکی واسه خانمها. وسط پارک یک چیزی گذاشتن که باز ملت با هم قاطی نشن.. خنده دار تر از همه اینه که هر بنز پلیس که از بغل این پارک رد می شه، به سر هم میزنه تو پارک که مردم کار بد نکنن.

یه روز تو پارک نشسته بودیم که اومدن شروع کردن ملت رو گشتن. من بدبخت که چهارتا نوار سیاوش قمیشی داشتم خدا میدونه اونا رو با واکمن تو کونم جاسازی کردم ولی خدا رو شکر چون اون بسیجی خفان (یعنی یه چیزی تو مایه های بن لادن با یه من ریش، پشم و بقول تهرونی ها نمیشه نگاش کرد) منو نگشت و گرنه میخوابوندنم تو یه سلول تکی که دیگه از این هوس ها به سرمون نزنه. این دل ما که پر پر است. هرچی هم از این حرفا بزنیم خالی نمیشه.

اگه خودتون واسه یه سفر تحقیقاتی به قم بیاین، خیلی خوب میشه، آخه شنیدن کی بود مانند دیدن.

ولی بذارین از خیابون قم براتون بگم؛ فرض کنین شما در قم ساکن هستین (نصیب دشمنتون بشه) وسط ظهر تو اون گرمای قورباغه پز میخواین که از خونه بزنین بیرون و برید به جای دیگه هر جا رو که دوس دارین میتونین فرض کنین. تا میرسید به خیابون پلیس ۱۱۰. جلو شما سبز می شن و بدون بدون آنکه شما از هر ماجرای با خبر باشین به یکی از نزدیکترین پاسگاهها فرستاده می شین. البته می تونین از نگهبان دم در سؤال کنید که چرا شما رو گرفتن! اگه این سؤال رو بکنین می فهمید که با یه لباسی اومدین بیرون که خودتون هم نمیدونین عکس کی روش حک شده، ولی ۱۱۰ که این چیزا حالیش نمیشه، حالا شما هرچی دوست دارید بگید، کو گوش شنوا؟

تازه این برا پسر بود، وای بحال دختر!..... خدا نکنه ۵-۴ تا موی اونها از زیر چادر بیرون باشه، آخوند جماعت و ۱۱۰ و هزارتا زهرمار دیگه رو باید جواب بدن. بخدا توریست و مسافر و این چیزا هم حالیشون نیست. یکبار یک دختر بدبخت تهرونی اومده بود اینجا اونهم با مانتو، آقا ۴-۳ تا از ۱۱۰ و اطلاعات و چندتا کوفت دیگه ریختن سرش. بدبخت بینوا رو بردن نمیدونم کجا؟ اونجا یاد کوزن در داستان بینوایان افتادم. اگه بیاین قم، از آخوند که بگذرید از ۱۱۰ نمیتونید بگذرید، مخصوصاً الان که همه دست به یکی کردن و یه طرحی به اسم نور اجرا کردن. از شهرداری بگیر تا بسیج و آخوند و .... همه یکی شدن و جالبه که دادگستری هم همراهشونه. یعنی تو ماشینشون یا هر جای دیگه به قاضی دارن که همونجا قاضی حکم طرف رو صادر میکنه و همونجا هم اجرا می کنن.

ضمناً ممنون می شم تو این سایتتون بگید هر کی میخواد بیاد قم، اگه دختره حجاب کامل سرش کنه پسر مواظب بشه پیراهنش تحریک کننده نباشه. خلاصه کسی که میخواد بیاد، حواسش جمع باشه، و اگه

اصلاً قم واسه چی میخوان بیان؟ مگه جا قحطی است/ها؟! از ما گفتن بود.

راستی طرح نور ۲ هم در ادامه همان نور ۱ در شهر اجرا کردن ولی خیلی خفان تر از طرح قبلی. یعنی حدود صد مغازه در این طرح شامل حال لطف بسیج و نیروی انتظامی، پلیس ۱۱۰ و شهرداری و آخوند و بقیه نیروها که هنوز معرفی نشدن ولی با اینها همکاری میکنن، گردید.

---

## دیگران چه می‌گویند

(انعکاس نوشته‌های دیگر سایتها درباره سکس و مسائل جنسی)

اگر به یک مطلب جنسی - سکسی در سایتی که عموماً در رابطه با سکس و مسائل جنسی مطلب نمی‌نویسد، برخورد کردید، میتوانید برای انعکاس آن در این صفحه با سکاف تماس بگیرید. چون ما به تنهایی نخواهیم توانست به این همه سایت سر بزیم.

=====

۱- شادی صدر مطلب جالبی تحت عنوان "تابو" چاپ کرده که خواندن آن را به دوستان سفارش میکنیم. آدرس سایت:

[http://shadisadr.blogspot.com/2003\\_08\\_01\\_shadisadr\\_archive.html](http://shadisadr.blogspot.com/2003_08_01_shadisadr_archive.html)

۲- کوشیار پارسی‌پور، مطلبی در باره رفتار جنسی در ادبیات (غرب) دارد، آدرس برای علاقمندان:

<http://www.iran-chabar.de/1382/07/03/kushyar820703.htm>

۳- عباس احمدی هم مطلبی در باره آدم و حوای ایرانی و سکس با محارم در فرهنگ ایرانی دارد:

<http://news.gooya.com/culture/archives/000489.php>

۴- سایت "سازمان راه کارگر" مطلبی از آرش کمانگیر درباره مبارزات همجنسگرایان کانادا برای حق ازدواج چاپ کرده که پایان این مطلب به شرایط همجنسگرایان ایرانی هم نظر دارد: آدرس برای علاقمندان:

<http://www.rahekargar.net/maghalat/092003/ham.pdf>

۵- سایت زاگرس مطلبی درباره زنان تن فروش چاپ کرده است. آدرس:

<http://www.zagros.info/>

۶- به سایت علی تنها مانده هم سرزنید و نگاه او به عشق و احساسات را ببینید، آدرس:

<http://www.ali3d.persianblog.com>

۷- سایت علی جوادی هم نامه‌ای در رابطه با مشکلات جنسی نوشته، این هم آدرس:

<http://www.alijavadi.com/html/Namehha/N-405.html>

۸- سیاوش دانشور مطلبی درباره آزادی روابط جنسی چاپ کرده و آدرس آن این است:

<http://www.ayneh.com/jung/1001daneshfar/1001daneshfar.htm>

۹- سایت عریان مطلبی درباره ناباروری زنان و مردان دارد. آدرس آن

<http://oryan.blogsky.com/>

۱۰- برای جلوگیری از اعدام افسانه نوروژی، به سایت سازمان دفاع بین الملل رفته و نامه آنها را امضا کنید:

<http://takeaction.amnestyusa.org/action/index.asp?step=2&item=10335>

## نگاهی به سایتها و وبلاگهای سکسی ایرانی

قصد بر این است که در این مقاله به سایتها و وبلاگهای ایرانی که مسائل جنسی و سکسی تم اصلی آنهاست، نگاهی بیندازیم. هدف این مقاله انتقاد منفی و دیدن عیب دیگران و خود را بی عیب جلوه دادن نیست. همینطور چشم پوشیدن بر مشکلات و موانع موجود پیش پا هم نیست. هدف فقط کمک به بهبود کاستی‌هاست و امیدواریم که دوستان دیگر هم بنوبه خود به اینگونه بحثها دامن بزنند. در یکی دوسال اخیر، تقریباً بطور روزانه بر تعداد سایتهای سکسی ایرانی در شبکه اینترنت افزوده میشود و عمدتاً در پرشین بلوگ، ولی به محض بو بردن مسئولین پرشین بلاگ سایت مربوطه را حذف میکنند و مسئول سایت هم سراغ بلاگهای دیگر میرود و سایت خود را در همانجا می‌گذارد، که کاری است شایسته.

تلاش گردانندگان سایتها و وبلاگهای ایرانی در هنجار شکنی و پرداختن به تابوترین مسئله فرهنگی ما، قابل تقدیر است و هر چند که ادبیات و گفتمانهای رسمی (چه حکومتی و چه غیر حکومتی) اجتماع

صحبت از آن را در "شان" خود نمی‌دانند اما تاثیر گفتمانهای مربوط به امور و مسائل جنسی را در همه جا و همه نیروها میتوان دید.

نقد، بحث و بررسی، تلاش برای یادگیری بهتر و بیشتر و در کنار آن آشنایی با شرایط محیط خودی، شناخت صحیح از مشکلات و موانع موجود و یافتن راههای بهتر برای فائق آمدن بر آنها و هدفمند و با برنامه حرکت کردن، از جمله راههای مؤثر برای تاثیر گذاری بهتر و بالا بردن بازده کار حساب میشوند. و این درست همان چیزی است که کمبود آن، متأسفانه، در اکثر سایتها و وبلاگهای سکسی ایرانی کاملاً مشهود است.

آزادی جنسی در غرب تاریخ (مبارزاتی) خود را دارد، این مبارزات زیر و بم‌هایی داشته، از مراحل گذشته و در نهایت تلاشگران آزادی جنسی با سازماندهی تشکیلاتی خود و پیوستن به شورشهای مختلف

اجتماعی دانشجویان، زنان، کارگران و دیگر اقشار مردم در اواخر دهه شصت میلادی، نیروی ائتلافی را برای تغییرات اجتماعی بوجود آوردند و همزمان با فشار به بالا برای ایجاد تغییرات، از روشنگری وسیعی

اجتماعی در عرصه امور جنسی هم غافل نبودند. یعنی نه تنها تغییر قوانین بلکه تغییر فرهنگ و شیوه نگاه خود مردم به سکس و مسائل جنسی هم جزئی از کارزار مبارزاتی آنان بوده و هست. تلاشگران آزادی جنسی در غرب در کنار مطالعه و تعمیق شناخت خود، سازمانها و تشکیلات خود را دارند، این تشکیلات برنامه و اهداف خود را تنظیم و برای تحقق برنامه‌های خود، آگاهانه حرکت میکنند، نه تنها در بحثهای اجتماعی شرکت میکنند بلکه با چاپ کتابها، مقالات و استفاده از تریبونهای موجود مثل روزنامه‌ها و مجلات عمومی، بحث راه می‌اندازند، سایت و مجله خاص خود را دارند و لوبی آنها در درون احزاب و گروههای سیاسی، کلیساها و کربدورهای دولتها فعالیت میکنند. در نتیجه همین تلاشهای آگاهانه و هدفمند است که می‌بینیم امروزه در هر کتابخانه و کتابفروشی در کشورهای غرب دهها و صدها کتاب درباره مسائل جنسی، بخصوص در عرصه آموزش و پرورش یافته میشوند، همچنین سازمانها و نهادهای مسئول اجتماعی، پزشکان، سکسولوگها، روانشناسان و غیره سایتها و مجلات آموزشی خود را دارند، انواع و اقسام مجلات در کشورهایشان چاپ میشود، انواع و اقسام کلینیکهای بهداشت، مشاوره و اطلاع دهی و غیره دارند، تو این وسط هم سایتهایی هستند که قبل از آنکه جنبه اجتماعی و آموزشی یا مبارزاتی مسئله برای کسب حقوق بیشتر مد نظرشان باشد، بیشتر به فکر تامین درآمد خود هستند و در کنار کلوبها و ساختن فیلهای پورنو، سایتهای

سکسی هم روی اینترنت دایر کرده‌اند که عمدتاً هم پولی هستند. ما ایرانیان هیچکدام از امکانات موجود در کشورهای آزاد را نداریم، ما این راه را تازه شروع کرده‌ایم. به همین سبب، برای رسیدن به آزادی و برابری جنسی، مطالعه و شناخت تجربیات کشورهای دیگر در این زمینه از ما جلوترند، و بکارگیری درست تجربیات دیگران در شرایط خودی خیلی مهم است. که

این باعث میشود که ضریب خطاهای ما کمتر شود و مشکلات رسیدن به هدف، کمتر. نگاهی به محتوای اکثر (و نه همه) سایتهای سکسی ایرانی نشان میدهد که گردانندگان این سایتهای، متأسفانه، عمدتاً متأثر از "مظاهر" آزادی غرب یعنی بخش پورنوی "پولی" آن هستند و نه حتی بخش سکسی و جدی پورنوی غربی که در چند سال اخیر از "زیرزمینی" بودن در آمده است. مطالعه سایتهای مختلف ایرانی که سکس و مسائل جنسی تم اصلی آنهاست، نشان میدهد که مبحث جنسیت کماکان مبحثی ناشناخته و تازه است و از آنجا که جنسیت در فرهنگ ما در طول قرنهای با خرافات، شایعات، برداشتهای غلط و ... اغشته شده، متأسفانه خود دوستانی هم که هنجارشکنی کرده و به طرح این مسائل می‌پردازند، خود شناختی خیلی سطحی، ناقص و گاهی متناقض از سکس و مسائل و آزادی جنسی دارند.

ما این است که اینکار عمدی نیست، بلکه بیشتری ناشی‌گری و به دلیل کمبود اطلاعات است، برداشت

و اینکه خود دوستان مسئول این سایتهای آنچنان اطلاعاتی که بخواهند با دیگران قسمت کنند، ندارند و بدتر از همه این دوستان برای دسترسی به اطلاعات هم چندان تلاشی بخرج نمی‌دهند. مسئولان وبلاگهای ایرانی زحمت شناخت فلسفه شکل‌گیری آزادی جنسی و پیشینه‌گفتاری که در غرب در این زمینه صورت گرفته را به خود نمیدهند و این یکی از اشکالات جدی ماست. اکثر وبلاگها سکسی ما کلاً جنبه آموزشی مسئله را فراموش کرده‌اند. مسئله دیگر اینکه خیلی از این سایتهای و سایتهای

چارچوب و مسیر معینی را دنبال نمی‌کنند، مرتب زیگزآگ میزنند، هر چه اون روز حوصله کردند چاپ میکنند، به معانی لغات و نوشته‌های خود تامل لازم را بکار نمی‌برند، اصلاً معلوم نیست که چه چیزی و اگر میدانند که چه میخواهند، تعریف درستی از خواسته خود ندارند و چارچوب و حد و مرز میخواهند

نمی‌دانند؟ اگر دنبال آزادی جنسی هستند اما از روی دیگر سکه یعنی مسئولیتی که به همراه آزادی آن را

(جنسی) زاده میشود چیزی نمی‌گویند. اصلاً معلوم نیست چه تعریفی از آزادی جنسی دارند. بیماریهایی که از طریق روابط جنسی منتقل میشوند، از جمله ایدز را کلاً فراموش کرده‌اند و به این ترتیب در معرفی بهداشت جنسی که لازمه آزادی جنسی است، کارنامه‌ای برای ارائه کردن ندارند. از بحثهای مربوط به اروتیک و پورنوگرافی، تشابهات و اختلاف این دو صحبتی در میان نیست. مفهوم اصطلاحات و کلماتی که بکار می‌برند و یا پند و اندرزی که میدهند، دقت کافی بخرج نداده و در

سطحی از کنار مسائل می‌گذرند.

از کنار موانع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آزادی جنسی بسادگی گذشته و هیچ تلاشی برای افشا آنها بکار نمی‌برند، نبود فرهنگ آزادی جنسی در بین مردم و حتی بسیاری از مخاطبان خود را با سکوت میکنند و از انتقاد از دیدگاههای زشت و کهنه می‌پرهیزند و بدتر از آن نه تنها از بازتولید و ادامه برگزار

باورهای کهنه ممانعت میکنند بلکه بعضی از نوشته‌های خودشان هم به همان باورهای کهنه اغشته

هستند. راههای رسیدن به آزادی جنسی، پیشنهادات و ابتکارات برای اقدامات عملی مناسب با شرایط را فراموش کرده‌اند و.....

تکرار میکنیم، قصد ما بی عیب و نقص دانستن سکاف نیست، همینطور قصد حمله و یا اهانت به این باز

دوستان هم نداریم، بلکه هدف برخورد با اشکالات است و نشان دادن پلشتیهایی است که دوستان و هموطنانی که قصد هنجار شکنی دارند، میبایست خود الگو باشند و از این زشتیها مبرا. چرا که کسی زحمت می کشد، خود را به دردسر می اندازد و حتی خطر میکند و با هنجار شکنی خود، (که برآستی که

لازمه این دوران است) تلاش دارد که به باز شدن مبحث جنسیت در ایران کمک کند، توقع می رود که خود شناخت درستی از آزادی جنسی و چارچوب آن و مسئولیتی که لازمه آزادی جنسی است و روی دیگر سکه آن حساب میشود، داشته باشند.

آزادی جنسی چیز عجیب و غریبی نیست، انسان موجودی است که بدون آزادی دست و پایش محدود میشود و در نتیجه این محدودیت فشارها و ضررهای زیادی به خود و جامعه او وارد میشود. آزادی جنسی در چارچوب آزادی فرد و حقوق بشر (فرد) نهفته است. آزادی جنسی چارچوب دارد مهمتر از همه به همراه آزادی جنسی مسئولیتی زاده میشود که بدون آن، آزادی جنسی بی معناست.

و

آزادی جنسی، زن، مرد، دختر، پسر، این یا آن گرایش جنسی نمی شناسد، آزادی جنسی یعنی انسان بالغ و عاقل حق دارد با هر کس که خود و شریک جنسی اش مایل است، در همان چارچوب آزادی و حقوق فردی، هر نوع رابطه و سکسی که بخواهند داشته باشند. این نه به دولت ربط دارد، نه به خانواده و نه به اجتماع. دفاع از تنوع گرایشات و علائق مختلف در عرصه تمایلات و غرائز، از جمله وجوه آزادی جنسی است به این دلیل برخورد محترمانه و دفاع از دگرگونه بودن هم یکی از اصول آن حساب میشود. دوز و کلک، بچه بازی، متلک گفتن، زورگویی، اعتقاد به باکره بودن در شب عروسی (که معنایش یعنی دختر قبل از ازدواج نباید از جلو سکس داشته باشد)، تعصب و غیرت بی معنی به ناموس (بخوان محدود کردن آزادی دختران در خانواده) و امثال اینها همه هیچ همخوانی ای با آزادی جنسی ندارد. آگاهی به تمایل فردی، پذیرش مسئولیت، متمدنانه برخورد کردن، اجازة دخالت در حریم خصوصی به دیگران ندادن، حفظ حریم شخصی، عدم انتقال بیماریهای مقاربتی هم جز دیگر آزادی جنسی است. بدون وجود شهروندانی این چنین تربیت شده، امکان ندارد در یک کشور آزادی جنسی پا بگیرد.

در دورانی که کشور ما در التهاب و تب و تاب تغییرات سیاسی-اجتماعی است و فرهنگ سنتی با جدی مواجه شده، تلاشگران آزادی جنسی، میتوانند در معرفی این مسئله و شکل گیری فرهنگ بحران

جنسی مدرن و امروزی تاثیر بسزایی داشته باشند بشرطی که خود آن را خوب بشناسند و برای معرفی و جا افتادن آن در اجتماع با برنامه حرکت کنند. و گرنه بدون شناخت درست مسئله و پذیرش قوانین آن و وجود انسانهای آگاه نمیتوان به آزادی جنسی دست یافت.

## با ناتوانی / ضعف جنسی در مردان آشنا شویم.

ناتوانی یا ضعف جنسی در مردان به این معناست که مرد توان نعوظ (شق / راست کردن - راست شدن) آلت جنسی (کیر) خود را نداشته باشد، یا اگر هم راست کند، شق بودن آلتش دوام چندانی ندارد، طوری که امکان انجام یک سکس کامل را از او میگیرد و قبل از انزال

آلت طرف میخوابد. همانطور که در شماره قبل در مطلب سردمزاجی زنان نوشتیم که سرد مزاجی زنان تنها مشکل زن نیست، ناتوانی جنسی مردان هم تنها مشکل مرد نیست، چون این مشکل روی زندگی هر دو طرف تاثیر دارد، به همین دلیل ارتباط عاطفی و صمیمیت و نزدیکی دو طرف به هم و تلاش مشترک برای حل آن بسیار ضروری است.

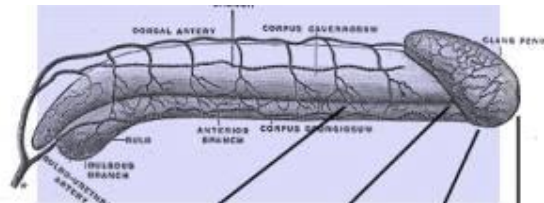
ضعف جنسی بیشتر همراه با بالا رفتن سن در مردان مشاهده میشود. گفته میشود که حدود ۲۵-۱۵ درصد مردان بالای سن ۶۵ مشکل شق کردن دارند، در حالی که تنها حدود ۵ درصد مردان چهل ساله دارای چنین مشکلی هستند. معمولی تر از همه اما این است که حدود ۵۰ درصد مردان در دوره‌ای از زندگی خود ( عمدتاً بین ۷۰-۴۰ سالگی) با مشکل سیخ نشدن آلت خود روبرو میشوند.

ضعف جنسی شدت و حدت ( و حتی زمان) متفاوت دارد و در همه افراد یکسان نیست؛ به این شکل که یکی ممکن است چند ماهی دچار این مشکل باشد و یا شدت شق شدن آلت در افراد مختلف فرق داشته باشد، اما کسی که بطور مرتب و پشت سر هم از شق کردن عاجز باشد را دارای ضعف / ناتوانی جنسی مزمن میدانند. برای درک بهتر مسئله، آشنایی با آناتومی و چگونگی راست شدن آلت مرد، ضروری است.

*آناتومی آلت مردانه / پروسه شق شدن آلت*

آلت (کیر) مرد دارای سه بخش است، ریشه (یا همان بن) که به بدن چسبیده، بدنه ( میله یا استوانه بدنه) و سر .

بدنه آلت از سه بخش بافتهای نعوظ (که قابلیت شق شدن دارند) و سلیندرمانند هستند، تشکیل شده است؛ یعنی دو (بافت) سلیندر مانند به اسم (Corpora Cavernosa) که پشت و اطراف آلت قرار دارند و یک بافت اسفنجی که در زیر آلت واقع شده. مجرای ادرار (که خروج منی هم از آن صورت میگیرد) در همین بافت اسفنجی قرار دارد ( بعداً میگوئیم که چرا؟). علاوه بر این در آلت مرد همچنین دو سرخرگ اصلی، چندین سیاهرگ و مقداری هم عصب وجود دارد. تمام اینها توسط لایه‌ای متشکل از سلولهایی از نوع سلولهای ماهیچه‌ها پوشیده شده و در آخر تمام آلت با یک پوست " کششی " پوشانده شده است.



گفتیم بافتهای نعوظ اسفنجی هستند یعنی دارای "غار" یا محفظه و دالانهایی هستند که در حالت عادی، خوابیده بودن آلت، تقریباً خالی از خون هستند اما هنگام حشری شدن مرد، دو سرخرگ آلت خون زیادی به این ناحیه میرسانند و این دالانها پر از خون شده، به شق شدن آلت منجر میشوند. همین شق شدن باعث وارد شدن فشار به سیاهرگها شده و از بازگشت خون به بدن از مجرای سیاهرگها جلوگیری بعمل می آید. (حتماً میدانید که سرخرگهای بدن خون پر از اکسیژن را از قلب به قسمتهای مختلف بدن میرسانند، و بعداً همین خون، ولی با اکسیژن خیلی کمتر، توسط سیاهرگها به قلب باز میگردد). البته یک نسج لیفی هم هست که در جلوگیری از بازگشت خون نقش دارد.

از سه بافت گفته شده، بخصوص دو سلیندر **Corpora Cavernosa** در شق شدن آلت خیلی مؤثرند. چون در بافت اسفنجی سومی سیاهرگها در سطح قرار دارند و رفت و برگشت خون در حالت شق بودن هم تقریباً عادی میماند، این بخصوص از این جهت اهمیت دارد که به مجرای ادرار و خروج منی که در همین بافت اسفنجی واقع شده اند هم فشاری وارد نمیشود و امکان خروج آب منی در سکس امکان پذیر است. البته مشاهده سیاهرگهای تقریباً متورم شده در حالت نعوظ کاملاً طبیعی است (بشرطی که هیچ درد و ناراحتی احساس نشود).

پروسه شق شدن آلت با یک تحریک روانی یا فیزیکی شروع میشود، این حس حشری شدن باعث میشود که عصبها به مغز خبر داده و پروسه ای شروع میشود که طی آن دو سرخ رگی که در آلت مرد هستند، خون زیادی به بافت شق ( دو بافت سلیندری) ارسال میکنند که فشار خون در این ناحیه شدت میگیرد و باعث سفت و محکم شدن آلت مرد میگردد.

شرط ادامه این حالت شقی، این است که فشار خون در این قسمت پائین نیاید و در تمام طول هماغوشی تا پایان آن و انزال، آلت مرد همچنان شق شده باقی بماند.

البته ممکن است حالت شقی کم و زیاد شود ولی در کل و هنگام لزوم بهر حال آن شقی لازم را

داراست. بعد از انزال و پایان سکس، جریان رفت و بازگشت خون به این ناحیه حالت عادی و سابق خود را می‌یاد و آلت مرد هم به همان حالت خوابیده، باز می‌گردد.

#### *اختلالات ممکن و ناتوانی جنسی؟*

برای شق کردن، هماهنگی چهار چیز با هم نقش اساسی دارند: ۱- سیستم عصبها ۲- شریانها و رگهای خونرسان ۳- تعادل هورمونها در بدن و ۴- روان انسان. به همین دلیل ناتوانی جنسی در مردان علل زیادی میتواند داشته باشد و حتی ممکن است چندین علت و فاکتور دست بدست هم داده و مشکل ساز شوند.

- از مهمترین دلایل فیزیکی مثلاً میتوان به وجود اخلال و (بیماری) در شریانها و رگهای بدن اشاره کرد، از جمله تصلب شرایین (سفت و تنگ شدن شریانها)، ناراحتی کلیه، یا ناراحتی قلبی. همچنین فشار خون بالا، سکتۀ مغزی و دیابت (بیماری قند) هم در کاهش نیروی جنسی مؤثرند. - در مورد علل روانی میتوان به اختلاف و درگیری و عدم تفاهم بین مرد و همسر (یا دوست دختر)، حسادت، بی حال و حوصلگی عمومی، خستگی مفرط، ضعف اعتماد نفس، ترس، نگرانی، استرس، مایوس بودن، اضطراب و خیلی چیزهای دیگر اشاره کرد.

یکی از علائم ریشه روانی بودن ناتوانی جنسی میتواند این باشد که فرد صبحها وقتی از خواب بیدار میشود، آلتش شق شده است یا وقتی که در تنهایی به فانتزی خود فکر میکند، حالت نعوظ به او دست میدهد، اما هنگام هم‌اغوشی با مشکل شق کردن روبرو میشود. - استعمال الکحل، دخانیات و یکسری داروها هم در شق نشدن آلت تناسلی مؤثرند. تصلب شرایین (سفت و سخت شدن سرخرگها) باعث کاهش جریان خون در سراسر بدن می‌گردد. تصلب شرایین از جمله بعلت دیابت، استعمال دخانیات و فشارخون بالا ناشی میشود. کم خونی هم در ناتوانی جنسی مؤثر است.

درباره اختلالات هورمونی میتوان به کاهش تولید تستسترون اشاره کرد و در حدود ۵ درصد از افراد دارای ضعف جنسی همین کاهش تستسترون دلیل اصلی است. با اینهمه نسبت به بقیه موارد (۹۵درصد) ناچیز به نظر میرسد. در مورد تستسترون در شماره قبلی سکاف توضیح داده شده فقط اینجا اضافه کنیم که ناراحتی کلیه و کبد هم باعث کاهش تولید تستسترون میشود. صدمه دیدن ستون فقرات میتواند به عصبها که از همین مسیر می‌گذرند صدمه برساند و کار انتقال احساس (با مواد شیمیایی موثر در انتقال حس) بوسیله عصبها را دچار اخلال کند. کلاً هر صدمه‌ای در ناحیه لگن خاصره میتواند به عصبهای موثر در امر نعوظ آسیب وارد کرده و فرد را دچار مشکل شق کردن نمایند. همینطور سرطان پروستات یا وجود غده‌ای در انتهای روده بزرگ (مقعد)، یا در مثانه هم ممکن است به عصبها آسیب وارد کند.

یک مسئله دیگر اینکه اگر سیاهرگهای آلت دچار اشکالی شده و در هنگام شق کردن مرد، "چکه" کنند و باعث نشت خون به عقب (بدن) شوند، امکان ادامه حالت شقی بسیار مشکل میشود. و در آخر باید گفت که استعمال یکسری از داروها باعث ضعف و ناتوانی جنسی میشود.

#### *درمان ناتوانی جنسی*

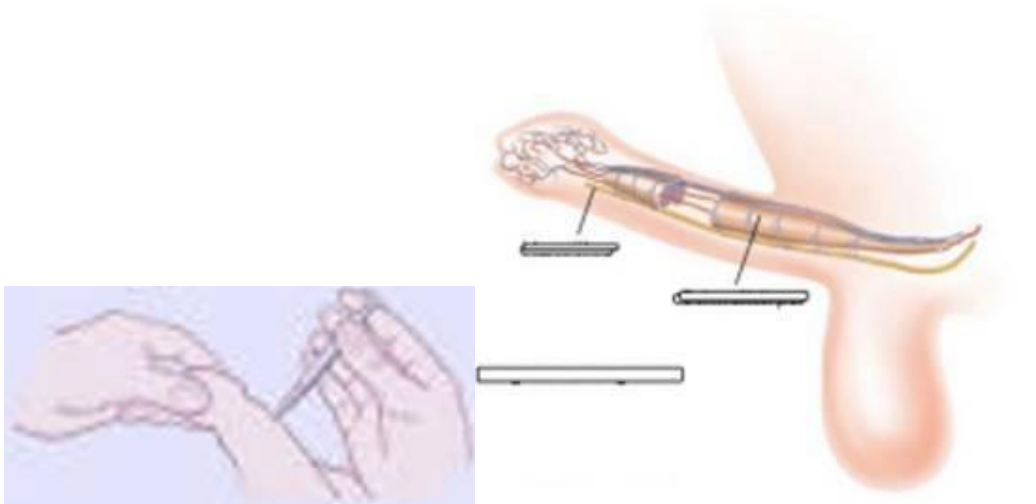
در کشورهایی که به مسائل و مشکلات جنسی مردم خود اهمیت می‌دهند، مراجعه به یک پزشک و چاره‌جویی مشکل ناتوانی جنسی، امری است عادی و امکانات زیادی هم در دسترس است اما در کشور ما نه تحقیقاتی در اینباره صورت گرفته، نه اطلاعاتی در اینباره به مردم داده میشود و نه مراکزی برای کمک به افرادی که دارای چنین مشکلی هستند، در نظر گرفته شده است، تابو بودن سکس و مسائل فرهنگی - اجتماعی را هم به اینها اضافه کنید آنوقت متوجه میشوید که چقدر مردم اجتماع ما در تنهایی خود و ناآگاهی جمعی، می‌سوزند. هرچند که اخیراً علائمی از شکل‌گیری چنین امکاناتی در کشور دیده شده ولی تا رسیدن به حد مطلوب راه درازی در

پیش داریم. با اینهمه بد نیست به چگونگی حل مشکل ناتوانی جنسی هم نظری گذرا داشته باشیم. وقتی مردی برای درمان ناتوانی جنسی خود به پزشک مراجعه میکند، اولین کاری که پزشک میکند این است که با پرس و جو از مراجعه کننده، سعی میکند به ریشه اصلی مشکل پی ببرد، چون آنوقت ارائه راه حل هم ساده میشود. مثلاً درباره روحیه فرد، رابطه اش با همسر، اختلافات احتمالی، همسو بودن تمایل مرد و زن در نوع سکسی که با هم دارند و... پرس جو میشود، علاوه بر آن در باره احتمال بیماریها، اینکه والدین بیمار آیا دارای ناراحتی قلبی یا بیماری قند یا... بوده اند که ممکن است فرد مراجعه کننده هم دارای همان مشکل باشد، بدون آنکه خود بداند. همینطور یکسری آزمایشات هم انجام میدهند از جمله گرفتن فشارخون، آزمایش ادرار، خون و تعیین سطح هورمونها، آزمایش تیروئید ( غده تیروئید در تولید هورمونهای سکس مؤثر است)، معاینه پروستات، تزریق آمپولی حاوی موادی که باعث نعوظ فوری میشود به آلت و چندین و چند آزمایش دیگر. بعد بسته به نتیجه ای

دکتر از این سؤال و جوابها و آزمایشات میگیرد، راه حل هم ارائه میدهد که از جمله میتوان به اینها که

اشاره کرد:

- معرفی به یک سکسولوگ یا روانشناس یا یک متخصص مشاور خانواده
- تجویز قرص از جمله قرص ویاگرا. ( قرصهای دیگری هم وارد بازار شده اند از جمله یوهیمین )
- تجویز قرصهای هورمونی.
- تجویز بکار گرفتن پمپهای مخصوص، یا سفارش استفاده از حلقههایی مخصوص بدور آلت، ( در سؤال و جوابهای شماره قبل در اینبار بیشتر توضیح داده شده )،
- اگر مراجعه کننده سیگاری است و یا الکل زیاد استفاده میکند، سفارش به ترک آنها،
- گاهی ممکن است یک عمل جراحی روی رگها ضروری باشد،
- اگر مراجعه کننده فشار خون دارد، داروی مناسب داده میشود،
- اگر طرف بیماری دیابت یا مشکل کلیه داشته باشد، باز اقدامات لازم صورت میگیرد،
- همینطور ممکن است نسخه برای آمپولهای مخصوصی نوشته شود که مراجعه کننده خود قادر است چند ساعت قبل از هماغوشی به آلت خود تزریق کند و بدینوسیله مشکل نعوظ را برطرف کند. حدود ده دقیقه بعد از تزریق این آمپول آلت مرد شق میشود که بطور متوسط یک تا دو ساعت پایدار میماند.





بعد اومد بغلم، دست کردم و با ترس اونور لباسش رو هم آزاد کردم و دیدم که لباس قشنگ از رو بدن قشنگ و خوشگلش سر خورد پائین. و ایا قشنگترین لحظه زندگی ام بود. موهامو گرفت و سرمو هل داد رو پستوناش؛ و اونوقت بود که شیرین ترین لحظات زندگیمو مزه کردم؛ یه پنج دقیقه ای به همین حالت گذشت که یکهو دست کرد تو شلوارم و شروع کرد به ور رفتن با کیرم. بعد گفت وایستا!

شلوارمو درآورد، شرتمو پائین کشید و شروع کرد به ساک زدن کیرم؛ وای که چه حالی بود. الان هم که فکرشو میکنم، کیرم سیخ میشه. خلاصه دیگه از خودم بیخود شده بودم، که ناگهان آب کیرم زد بیرون و ریخت تو دهنش. خیلی خجالت کشیدم اما گفتش عیبی نداره، فقط باید مواظب باشی چون دفعه دیگه خطری است، منظورشو نفهمیدم ولی وقتی دست رو شرتش گذاشت فهمیدم.

بعد شرت صورتی خودشو درآورد و من که دیگه داشتم تو هوا پرواز میکردم، تو فیلمها دیده بودم که کس لیزی چطوری هست، پس شروع کردم اما هرکار میکردم اون ارضا نمی شد؛ گفت بکن توش! گفتم باکره نیستی؟ گفت بابا کیر مصنوعی از باکره گی درم آورده. فهمیدم طرف با تجربه است. پس سر کیرمو کردم تو؛ وای که چقدر شیرین بود. کاش هیچوقت تموم نمی شد، گفتم ز. جون میخواست عزیز، گفت بکن! بکن!

بعد که سکس ما تموم شد با هم دراز کشیدیم و بعد از نیم ساعتی هم با هم رفتیم حموم. اون روز هیچوقت یادم نمیره.

وقتی میخواستم برگردم خونه خودمون، گفتم ز. جون مامانت کجاست؟ گفت رفته حج.

این حج برای ما که خیلی خوش سعادت بود، نمیدونم واسه مامان ز. چطور.

بعد از اون روز دو بار دیگر هم با هم سکس داشتیم اما دیگه فرصت نشد. حالا رفته تهران و دوست دارم که اینو بخونه و با خاطره اش منو بیاد بیاره و اون لحظات شیرینی که با هم داشتیم.



## یه جای خوب واسه....

### مکان-خونه خالی - خرابه- انباری

سلام به تمام برویج باحال و با صفا.

بدون هیچ حاشیه ای میرم سر اصل مطلب. میخوام امروز از درد دو عاشق بگم و یه راه حل بدم. فکرش رو بکنید بعد کلی دردسر ( شاید هم بی دردسر) یکی از جنس مخالف پیدا میکنی که درست همون چیزیه که میخواستی. یه دوست دختر / دوست پسر. میخوای با عشقت بری بیرون، بری قدم بزنی، با هم صحبت کنین، همدیگه رو بیشتر بشناسین، یا اینکه برین یه جای درست حسابی با هم عشق بازی بکنین. مگه میزارن؟ می خواین برین بیرون، نمیدونین کجا برین، هر

جا که برید با ترس و لرزه، میترسین بگیرنتون که اگه بگیرن کارتون تموم ( حالا کاری به دردسر بگیر بگیرش نداریم). میخوای بری به جای خلوت از عشقت یه بوسه ناقابل بگیری ولی کجا؟ یا باید آنقدر منتظر بشی تا خونتون خالی بشه که یا خالی نمیشه یا اگه هم بشه باید قایمکی رفیقتو بری تو خونه که همسایه‌ها نفهمن، و آنقدر یواش کارتون رو بکنین که صدای جیغ و داد از خونه ( مخصوصاً آپارتمانی) نره بیرون.

ما یه دردسر داریم و شما همجنسگراها هم یه دردسر، ولی تو حداقل میتونی با همجنست ( عشقت) تو خیابون راه بری، دستشو بگیر، شوخی کنی و حتی جلوی در و همسایه ببریش تو خونه! حتی اگه خونه‌تون هم خالی نباشه، میشه ببریش تو اتاق و....

البته اونا هم دردسر دیگه‌ای دارن. تو این مملکت کی دردسر نداره؟ ها؟؟!! دوباره برمیگردیم سراغ دردسر آدمای غیر همجنسگرا یا بقول سکاف دگر جنسگرا. سکاف یاد داد که تو ماشین چجوری سکس داشته باشی. خوب شاید کسی ماشین نداشته باشه! اون باید چیکار کنه؟؟!!... بره تو انباری؟ زیر پله؟ پشت بوم خونه؟ توی پارک لای شمشادا؟ توی خوب؟؟!!

خوب من فکر میکنم بهترین جا وقتی که هیچ جایی نمونده، یه جایی است که بین کلی آدم نشستی، آره سینما!

خرجش به بلیطه، میری بلیط یه فیلم مسخره که بلیطش هم ارزون باشه (!) و هم تماشاچی‌اش کم، رو میگیری. بعد با عشقت میری بالای بالا میشینی که هیچکس حتی صداتونو هم نشنوه! دیگه راحت میتونین حرفاتون رو بزنین و با کمی دلهره حتی سکس هم میتونین داشته باشین. البته به راحتی آب خوردن میتونین از هم لب بگیرین، چون نه صدای زیادی داره و نه تحرک زیاد میخواد. آنقدر هم اونجا تاریکه که اگه طرفتون خجالتی باشه، میتونین برای بار اولی که میخواین از هم لب بگیرین برین سینما که زیاد از هم خجالت نکشین. چون تو اون تاریکی فقط نور پرده‌ی سینما تو چشمتون و شیرینی لبای عشقتون زیر لبهاتون حس میکنین.

پس تو که به دلیل خجالتی بودن یا نداشتن جا تا حالا مزه لب با لوپ سرخ شده رو نچشیدی، پاشو زنگ بزنی به عشقت که با هم برین سینما!..... برین بهترین فیلم زندگیتونو ببینین!!! خوب من دیگه نمیگم چجوری و از چه راهیهایی میشه تو سینما سکس داشت. دیگه این به سلیقه خودت بستگی داره.

راستش من خودم تا حالا با هیچکس و هیچ جایی سکس نداشتم. ولی یه بار تو سینما از دختر عمه‌ام یه لب گرفتم که تا عمر دارم یادم نمیره. ( اون هم همون یه بار بهم لب داد! دیگه انگار نه انگار که با هم فامیلیم!!!)

یه چیز هم بگم، حالا که اطلاعات اخوندا این رو میخونن فوری میرن تو سینماها و به جوونا بند میدن! آدم توش می‌مونه که به اینا چی بگه! جوجه سکافی = محسن باحاله.